

عشایر کرد

۱ - طوایف سنجایی

بقلم آقای محمد گیوان پور مکرری

سنجاییها یکی از طوایف بنام ووطن دوست کرد بشمار میروند و در قرون اخیر از میان آنان مردانی وطنپرست و خیرخواه برخاسته که مصدر خدمات دولتی و ملی مهم شده اند چه ایشان بر اثر کوشش و مجاهدات خود چنانکه در فصل مربوط باوضاع سیاسی طوایف سنجایی خواهیم دید خدمات بسیار گرانبهائی انجام داده اند و در حفظ مناطق مرزی ایران بخصوص هنگامیکه دولت مرکزی ایران بر اثر فشارها و گرفتاریهای داخلی و خارجی رو بضعف نهاده بود پیوسته مانند سد آهنینی ایستادگی کرده و مدتها در برابر تجاوزات سایر ملل اجنبی بخصوص عثمانیها یکه و تنها جنگیده و هر مشت از خاک ایران را باجان خود برابر داشته اند. علاوه بر این بحث در باره منطقه سنجایی و قبایل و طوایف آن بسیار ضروری و از لحاظ اطلاعات و شناسائی باحوال اقوام و قبائل فعلی ایرانی سودمند و قابل ذکر است.

در باره وجه تسمیه کلمه سنجایی یا بتلفظ محل سنجاوی (بکسر سین) اطلاع صحیحی بدست نیامد جز اینکه بگفته پیر مردان و مطلعین محل در زمان محمد شاه قاجار موقعیکه اردومی شامل دو بیست سوار از این طایفه تجهیز شده و برای جنگ هرات و محاصره آن گسیل میشوند (سال ۱۲۷۲ هجری قمری) چون آستر جامه خوانین آنها از پوست سنجاب بوده است دریس اردو آنها را سنجاب پوش یا سنجایی نامیده است و از آن زمان بعد این طایفه بسنجایی شهرت یافته و پیوسته بدین نام

ناهمیده شده اند .

در اینکه سنجاییها بیش از عشاير و طوايف اطراف خود آرایش جامه و زیبایی آن میپردازند تردیدی نیست و شاید این نام بمناسبت سلیقه آنها در تجمل و لباس



نونه ای از لباس مردانه جوانان سنجابی

پوشی ساخته شده و تا حدی گفته مذکور مقرون بحقیقت باشد . عده ای هم گفته اند که چون در زمان های پیشین در این منطقه سنجاب بحد و قور یلفه میشده است این ناحیه را سنجاپی نام نهاده اند ولی این گفته صحیح بنظر نمی رسد زیرا که نه نام سنجاپی

چندین قدیمی است نه نوع محل آنها با نوع محل زندگی سنجاب چندان ارتباطی دارد.

وضع جغرافیائی - محل سکونت و زندگانی سنجابی شامل دو ناحیه است: ییلاق و قشلاق.

۱ - محل ییلاق سنجابی

بیشتر مردم سنجابی که شاید در حدود هشت قسمت از ده قسمت کلیه جمعیت آن را تشکیل میدهند بطور دائم و ثابت در ناحیه ییلاق ده نکیشند و بکشاورزی میپردازند.

حد شمالی این ناحیه کوه شاه کوه و رودخانه قره سو است و تاده های اطراف قصبه روان سر که جزء ولایت کردستان است ادامه می یابد. حد شرقی کوه رنگلیان ۱ و کوه گماچار ۲ و کوه ویس و کوه خورین است. کوه خورین که در ابتداء ناحیه میان دربند واقع شده در شمال ناحیه الهی خانی که جزء خاک سنجابی است قرار دارد. حد غربی کوه های ولد بیگی و کوه بنی گز و ده های ونه رنگینه گوران و تختگاه و هله بگلر و سایر کوه های گوران است. حد جنوبی این ناحیه شامل خطی است که بموازات تقریباً شش کیلومتری شمال جاده شوسه کرمانشاهان بقصر شیرین کشیده شده است و از شمال کاروانسرای ماهیدشت آغاز میشود و کوهستان های برزه و چنار تا محاذات چند کیلومتری شمال شاه آباد و خسرو آباد را شامل است.

این ناحیه از دو قسمت دشت و کوهستان تشکیل مییابد.

دشت: قسمت عمده محل سکونت این طایفه شمال جلگه معروف وسیع و حاصلخیز ماهیدشت است که در جنوب آن طوایف کلهر زندگانی میکنند. این دشت بسیار حاصلخیز است و از لحاظ فلاحات از بربرکت ترین و آبادترین نقاط کردنشین

بشمار می‌رود .

ماهیدشت از دیرباز یعنی از زمان مادها و هخامنشی‌ها دارای شهرت خاصی بوده علاوه بر کشاورزی و آبادانی محل تمدن‌های قدیمی ایران بوده و روزی از بزرگترین نقاط و سرزمین‌های تربیت اسب بشمار میرفته است چنانکه هنوز هم اسبهای ماهیدشت



محمد خان بختیار یکی از خوانین ایل سنجایی (تیره جالوی)

شهرت خود را حفظ کرده و اگر در تربیت آن بکوشند بنتایج بسیار سودمند و گران بهایی خواهند رسید .

در زمان‌های سابق که گرفتن سرباز و سوار از طرف دولت معمول بود قسمت اعظم سوار کرمانشاهان را سواران طوایفی که در این دشت میزیستند تشکیل می‌دادند.

نکهداری و تکثیر احشام نیز در این ناحیه همیشه متداول بوده و بر اثر داشتن مراتع حاصلخیز و وسیع که امروزه قریب بتمام آن جزو زمینهای زراعتی شده و هنوز آثار بعضی از آنها موجود است روز بروز بر عده احشام آن افزوده میشده است. کلمه ماهیدشت نیز یادآور تاریخ کهنسال آن و عین دشت مادی یادداشت‌ماد است که هنوز شکل قدیمی خود را نگاه داشته است.

این دشت یکی از انبارهای بزرگ غله ایران بشمار میرود و قسمت اعظم آن متعلق بسنجاییهاست و ایشان در این ناحیه در حدود یکصد و شصت ده آباد و حاصلخیز دارند.

کوهستان : قسمت عمده کوهنشین سنجانی در آزاره های کوهستانهای گوران یعنی در جنوب و جنوب غربی ماهیدشت سنجایی در کوهستانهای برزه و چنار است و تیره‌های جلیله وند و سیمینه وند و سرخکی و چند طایفه دیگر در آنجا سکونت دارند و کلیه خرده مالک‌اند و ده ها و مزارع متعلق بدانهاست.

جنگل - چون قسمت عمده ناحیه بیلاق سنجایی در دشت واقع میباشد برخلاف ناحیه گوران که در جوار آن واقع است، جنگل در این ناحیه بسیار کم است، تنها در کوههای بنی سز و عباسه وند و کوههای برزه و چنار جنگلهای کوچکی وجود دارد که درخت عمده آن بلوط و مازو است. این جنگلها بملت قطع اشجار و خشکی هوا و عدم مواظبت بتدریج در حال از بین رفتن است. جنگلهای این قسمت دارای درختانی کوتاه و پراکنده و دور از هم میباشد و قسمت عمده آن فعلاً بصورت بوته زار درآمده و اغلب بواسطه بی‌مبالاتی کسانی که برای کندن کتیرا در آنجا آتش می‌افروزند و برای زود دسترس پیدا کردن بین گون و تیغ زدن آن جهت جمع کردن کتیرا

قسمتی از ساقه های بالایی و اطراف آنها را میسوزانند آتش در جنگلها افتاده قسمت زیادی از درختان را میسوزاند .

باغات - در ناحیه سنجایی باغات کم است و بیشتر در دره هائی که از خود دارای



(نمونه ای از منازل تابستانی خوانین سنجایی دیوانگاه)

آب یا قناتی باشند مالکین باغهایی برای استفاده شخصی خود ساخته اند. مهمترین باغات این ناحیه باغات نیلاوه است که در دره ای حاصلخیز بوجود آمده و مالک آن آقای اسدالله سنجایی (سالار مکرم) با سلیقه و وجد و پشت کار خود آنرا بیش از پیش

آباد ساخته است. در بعضی ده‌های دیگر نیز باغاتی کم و بیش وجود دارد که در سالی مربوط بناهای ده‌ها بدان اشاره خواهد شد.

راههای سنجابی - راههای سنجابی منحصر بدو جاده است که بتوسط جاده‌های فرعی و باریکتر بده‌های دیگر نیز می‌پیوندند:

۱- جاده کرمانشاه بسنجابی، جاده ایست کاروان رو که در فصل‌های خشک و ایام غیر بارانی قابل اتومبیل رانی نیز هست. این جاده از دروازه غربی شهر کرمانشاهان یعنی از قهوه‌خانه و کیل آقا شروع و از ده‌های **باوه جان و دایبی چی و سراب نیلوفر و وسیمه** گذشته از دامنه کوه کماجار و از نزدیکیهای **قلعه دارا** بخان از رود مرگ عبور کرده وارد ده‌های مرکزی سنجابی میشود.

بیشتر عبور و مرور و بازرگانی و حمل غلات سنجابی از این راه است ولی متأسفانه این راه در فصول بارانی قابل اتومبیل رانی نیست و پلی هم ندارد.

۲- جاده دیگر جاده ایست که در حدود کاروانسرای ماهیدشت از جنوب بشمال ماهیدشت کشیده شده و به جاده **چغندر** معروف است و در دو سال قبل برای حمل چغندر از طرف کارخانه قند شاه آباد کشیده شده است. این جاده چون غیر اساسی بوده از همان سال اول خراب شده است.

بطور کلی چون قسمت **بیلاق نشین سنجابی** جلگه است و دارای ده‌های زیاد و نزدیک بهم میباشد و همه ده‌های مزبور بوسیله جاده‌های کوچک محلی بهم مربوط است و یکی از اصلاحات و اقدامات مهم برای آبادی این ناحیه اصلاح و شوسه کردن دو جاده مزبور و ساختن پل بر روی آب مرگ میباشد.

آبها و نهرهای سنجابی - ناحیه سنجابی دارای رودخانه مهم و قابل ذکری نیست مهمترین رودخانه آن آب **مرگ** (بکسریم و راه و کاف فارسی) است. این آب بهار آب و از دره‌های متعددی که در حدود کاروانسرای ماهیدشت آب آنها بهم می‌پیوندند تشکیل شده از وسط ناحیه سنجابی عبور کرده در حدود شاه **دادار** رودخانه **قره سو** میریزد.

آب دیگری در ناحیه الهی خانی نیز وجود دارد که آنرا آب راز آور گویند. آب راز آور از میان در بند آمده و برودخانه قره سو سر ازیر میگردد. این دو رودخانه کوچک یا نهر در تابستان کم آب و در بهار فوق العاده پر آب میشود بطوریکه گاهی در بهار رفت و آمد از ناحیه سنجایی بکرمانشاه متوقف میماند. مثلاً سفانه بر روی رود مرگ که از وسط سنجایی میگذرد و جاده سنجایی بکرمانشاه را در چند جا قطع میکند پلی ساخته نشده است. یکی از اصلاحات ضروری و مهم برای این ناحیه چنانکه ذکر شد ساختن دو بالا اقل یک پل بر روی این آب است که این طایفه بتوانند با شهر در تمام فصول سال روابط خود را حفظ کنند.

علاوه بر این دو آب آبهای کوچک دیگری نیز از قبیل گن کبود و گن بندار که از همین آبهای بهاره تشکیل شده و در تابستانها خشک است وجود دارد.

در ناحیه ماهیدشت چشمه سارهای متعدد و فراوان موجود است که قسمت عمده ده ها بوسیله آب آنها مشروب میشود مانند سراب قره سانه که ده های دایار را مشروب میسازد و سراب چیا خزان (سراب چقا خزان) که ده های خیبر و ملکشاه را مشروب میکند و سراب چیا رضا (سراب چقارضا) همچنین سراب نملوفر که نسبتاً دریاچه زیبائیست و از بستن سدی در جلو آن تشکیل یافته است و در ناحیه خالصه و اوائل حدود سنجایی واقع است، آب این دریاچه بعضی از دره های ناحیه خالصه را مشروب میسازد. ناحیه خالصه چسبیده بخاک سنجایی است و رعایای آن نیز غالباً سنجایی میباشند و از لحاظ اداری همیشه حکومت آنجا ضمیمه سنجایی و الهی خانی بوده است. در ناحیه سنجایی قنات های معدود و کمی نیز وجود دارد.

علاوه بر اینها و رودخانه مشهور قره سو که از قسمتی از شمال ناحیه سنجایی میگذرد آنها و چشمه سارهای دیگری نیز وجود دارد که قسمتی از آنها عبارتند از: سراب ملکشاه در ده دائمی آباد، هفت کینی (هفت چشمه) در ده هفت کینی، سراب چلوی در ده میر عزیز، سراب مله بگلر در ده مله بگلر، سراب واقع در پشت تپه

چیاقزان که قسمتی از ده ملکشاہ را آب میدهد، سراب کبود خانی در ده اسمعیل کل، سراب تیران در ده های بابان و باکلانی و تیران، سراب برزه در ده برزه، سراب هفت کینی در ده بندار، آب کن بندار در ده شیخ مصطفی و بندار بگ میرزا، آب کبود خانی در ده های جعفر آباد و بور بور، رودخانه کوچک قره دانه در تپه



سونه ای از زنان سنجایی در لباس محلی

حسیر خان و قیسه وند، سراب خیبر در ده های خیبر و جهان آبه و تپه کل، خرکره در ده جور آباد، آب زندهر در ده های جور و زندهر، آب قری دول در ده قلیج خانی.

با وجود این آبه‌زراعت عمده ماهیدشت دیم است و در حوالی و جلوان آبه‌صیفی‌کاری و بخصوص جالیز‌کاری و مرزه (شلتوک‌کاری) و چغندر‌کاری شیوع دارد.

۲- قشلاق سنجابی

قشلاق سنجابی شامل ناحیه‌ای بوده است معروف به باغچه و قطار و آق‌داغ و قلعه سبزی که تشکیل ناحیه وسیعی مرکب از ده‌ها و مراعاتی میداده است که از قصر شیرین تا حدود خاتقین و قزل‌رباط و نفت‌شاه ادامه می‌یافته و بیشتر آن مراعات بوده است.

شمال این ناحیه حدود زهاب و مشرق آن بحدود مراعات و محال طوایف کلهر و جنوب آن تا حوالی مندلیج و مغرب آن در خاک عراق فعلی تا زمینهای قزل-رباط و خاتقین ادامه داشته است.

در سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۳۳۲ هجری قمری) بموجب قرار داد تعیین حدود بین ایران و دولت عثمانی و حکمیت دولتی انگلستان و روسیه قسمت عمده این مراعات از لحاظ دولتی ضمیمه خاک عثمانی گردید و فعلاً جزو کشور عراق است و بموجب پروتکل مخصوصی که ضمیمه قرارداد گردید و عین آن ضمیمه قرارداد در صفحه ۱۲۵ صورت مجالس تعیین حدود وزارت خارجه موجود است مالکیت خصوصی طایفه سنجابی بر نواحی ضمیمه شده بخاک عثمانی تصدیق و دولت عثمانی متعهد گردید که بدون اخذ مالیات مخصوص از سنجابی‌ها مانع و مزاحم استفاده آنها از محلات و مراعات مزبور نشود و ما آنرا عیناً در اینجا نقل میکنیم.

«ضمیمه صورت مجلس جلسه چهارم و دوم مورخ ۲۷ مه ۱۹۱۴ (غره رجب ۱۳۳۲) مأمورین روس و انگلیس نظر بمذاکراتی که در جلسه ۱۶ مه (مطابق ۲۰ جمادی‌الثانیه) راجع بحقوق سنجابیها در اراضی نزدیک بجبل باغچه بعمل آمده است تصور مینمایند که میبایست نتیجه تحقیقات شخصی خود را در این موضوع بیان نمایند.

۱- بموجب کتاب درویش پاشا (فصل ۲۹ راپورت مشارالیه) از زمانیکه کمیسیون اول بسیاحت حدود پرداخت (از ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۲ یعنی از ۱۲۶۵ تا ۱۲۶۸) قشلاقهای سنجایی ها در جلگه های مابین خاقین و قزل رباط و ساحل یمین آب نفت و ساحل



اینجا نمونه ای از زنان سنجایی در لباس محلی

یسارگیلان متبسط بوده است - سنجاییها این نقاط را مانند ملک شخصی خود تصور نموده و مالیاتی بپردازد نمی پرداختند.

۲- راپورت های جدیدی نمایندگان رسمی انگلیس و روس نیز وجود سنجاییها